

ضرورت تحلیل زمینه های مسیحی مباحث فلسفه دین

در فلسفه ورزی درباره آنها

حمیدرضا آیت اللهی

اگر فلسفه دین را به اجمال ارزیابی عقلانی گزاره های بنیادین دینی که به صدق یا کذب آنها می انجامد بدانیم، مباحث آن باید حول گزاره های بنیادین دینی باشد. اما گزاره های دینی به تنهایی قابل ارزیابی نیستند بلکه بسترهای آموزه ای دینی آنها نشان می دهد چرا این گزاره ها برای یک دین بنیادین هستند. همچنین نشان می دهد چه مباحثی در فلسفه دین نقش محوری را دارند.

آنچه در جامعه ما به عنوان فلسفه دین مطرح شده است و سی سالی است که ذخیره های فکری غرب در آن بازنموده و تجزیه و تحلیل می گردد و سپس نظریات بومی اسلامی حول آن رشد و نمو و بالندگی می یابد تماما در فضای دینی غرب که اساسا مسیحی است نضج گرفته است در نتیجه پیش فرض های فکری آنها تفکر مسیحی بوده است. به همین جهت در تجزیه و تحلیل آنها علت و خاستگاه این مباحث در فلسفه غربی باید به دقت بررسی شود تا پس از آن بتوان در بستر اسلامی حضور این مباحث و نوع رویکرد دینی آن در جامعه مان به درستی فلسفه ورزی شود.

در این گفتار در نظر است برخی از این زمینه های مسیحی نشان داده شود و نسبتش با اندیشه دینی اسلامی به اجمال بررسی گردد. ابتدا تفاوت نگرش دینی مسیحی با دیدگاه اسلامی به آموزه های دینی و باورهای دینی بحث می شود و سپس با نشان دادن تمایزهای پنهانی جدی در این زمینه، نشان داده شود که تفکر دینی در مسیحیت چه اقتضائاتی را برای ارزیابی عقلانی در آنها داشته است و چرا در تفکر اسلامی نوع رویکرد و اقتضائات بگونه ای متفاوت قابل طرح است.

در این گفتار، به زمینه های باورهای مسیحی برای نشو و نمای مباحثی همچون عقل و ایمان، تجربه دینی، تعارض های نظریه تکامل، شرور، انحصار گرایی و تکثر گرایی دینی، معجزه، وحی و انکشاف الهی، معیارهای دینداری و سکولاریسم و تفاوت این نگرش های دینی در بستر اسلامی پرداخته خواهد شد تا هم در فلسفه ورزی درباره گزاره های دینی غربی دچار بدفهمی نشویم و هم بدانیم اینگونه مباحث در تفکر اسلامی از چه زاویه دیدی باید مورد توجه و فلسفه ورزی قرار گیرد.